

نقش اکو در توسعه روابط اقتصادی کشورهای عضو

عارف بیژن*

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد آسیای مرکزی و قفقاز دانشگاه علامه طباطبائی تهران

محسن رحمانی واسوکلایی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای گرایش مسائل ایران دانشگاه شیراز

چکیده

گرایش جهانی به الگوی توسعه مبتنی بر اقتصاد آزاد و افزایش صادرات، موجب شده کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌سوی همکاری در زمینه تجارت و صنعت، به‌عنوان ابزاری کارآمد توسعه اقتصادی و اجتماعی قدم بردارند. بر این اساس سازمان همکاری اقتصادی (اکو) توسعه اقتصادی کشورهای عضو را مدنظر قرار داده است. این سازمان بعد از پیوستن کشورهای آذربایجان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و قرقیزستان به سه کشور بنیان‌گذار آن (ایران، ترکیه و پاکستان) مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. مهم‌ترین نقش اکو برای کشورهای عضو، توسعه روابط اقتصادی آن است. اگر چه با موانع اقتصادی-سیاسی فراوانی مواجه است. سوال اصلی مقاله این است که آیا اکو توانسته است نقشی برای توسعه روابط اقتصادی کشورهای عضو داشته باشد؟ فرضیه مقاله این است که این سازمان در مواقعی توانسته است باعث توسعه اقتصادی این کشورها شود و در برخی مواقع به‌دلایل سیاسی و اقتصادی سطح روابط بین کشورها در تجارت منطقه‌ای به مشکل برخورد کرده است. روش انجام این پژوهش توصیفی-تحلیلی است.

کلید واژه‌ها

توسعه اقتصادی، اکو، تجارت، نقش، موانع رشد.

هر سازمان بین‌المللی یا منطقه‌ای برای موفقیت خود به زمینه‌ها و شرایطی نیازمند است که شکل‌گیری و نهادینه شدن همکاری‌ها را تسهیل کند. از این دیدگاه عوامل فرهنگی، جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی زمینه‌های همکاری کشورهای منطقه را در چارچوب اکو فراهم کرده است. گرایش جهانی برای پذیرش الگوی توسعه مبتنی بر اقتصاد بازار و افزایش صادرات، سبب شده کشورهای عضو اکو نیز به افزایش سرعت آزادسازی اقتصادی و نقش فزاینده بخش خصوصی در توسعه اقتصادی توجه ویژه‌ای داشته باشد. روند فزاینده یکپارچگی اقتصاد جهانی و پیدایش قطب‌های تجاری در اطراف مراکز مهم اقتصادی جهان، که حرکت به سوی یکپارچگی بازارهای اطراف این مراکز را دنبال می‌کند، سبب شده همکاری منطقه‌ای و منطقه‌ای شدن تولید و تجارت به‌عنوان ابزار توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. روندهای منطقه‌گرایی به‌ویژه برای مناطق دارای پیوستگی جغرافیایی و همگونی فرهنگی در دهه‌های اخیر تقویت شده است (Pakdaman, 1996: 4) کشورهای عضو اکو نیز از این فرآیند جدا نبوده‌اند. اکو سه دوره تاریخی مهم را پشت سر گذاشته است:

نخست، این سازمان میراث‌دار سازمان عمران منطقه‌ای (آر. سی. دی) با عضویت پاکستان، ایران، ترکیه است که در سال‌های 1964 تا 1979 فعالیت داشته است. در جریان فعالیت این سازمان اهداف اساسی اعضا تحقق نیافت. در این دوره، از مشورت‌های سازمان توسعه صنعتی ملل متحد نیز بهره گرفته شد و کارشناسان این سازمان گزارش‌هایی به کشورهای عضو ارائه کردند.

مرحله دوم، پس از انقلاب اسلامی ایران در سال 1979 آغاز شد. در این زمان سازمان آر. سی. دی منحل شد. سپس سازمان همکاری اقتصادی در سال 1985 راه‌اندازی شد، اما این سازمان نیز به‌دلایلی از جمله جنگ ایران و عراق نتوانست اقدام مهمی انجام دهد. مرحله سوم، به سال 1992 مربوط می‌شود، در این سال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز همراه با افغانستان به عضویت این سازمان پذیرفته شدند. از آن تاریخ اکو اعتبار بین‌المللی پیدا کرد و فعالیت‌های خود را به‌طور عمده در سه زمینه تجارت، انرژی و حمل و نقل متمرکز کرد (Tluee, 2006: 329).

در راستای سازگاری اکو با تحولات جدید و در راستای یادداشت تفاهم 14 می 1996 وزاری امور خارجه در عشق‌آباد در رابطه با سازماندهی و بازسازی مجدد اکو توسط کشورهای عضو اکو، پیش‌نویس سند توافقنامه تجاری اکو (اکوتا) در سال 1997 مورد بررسی قرار گرفت و در سال 2002 با برگزاری سه اجلاس کارشناسی، نهایی گردید و در دومین اجلاس وزرای بازرگانی اکو در اسلام‌آباد به امضا رسید. بر اساس این توافقنامه اعضای این سازمان متعهد شده‌اند که موانع غیرتعرفه‌ای و شبه تعرفه‌ای را کنار بگذارند و ظرف هشت سال سطح تعرفه‌ها به استثنای کالاهای حساس و فهرست کالاهای منفی حداکثر به 15 درصد برسد. کارشناسان، تصویب توافقنامه تجاری اکو (اکوتا) را نقطه عطف بسیار مهمی در توسعه روابط اقتصادی میان کشورهای منطقه اکو ارزیابی کرده‌اند که مسیر قراردادهای دوجانبه و چندجانبه تجاری را هموار خواهد کرد. این توافقنامه زمانی اجرایی و فعال می‌شود که دست‌کم پنج کشور عضو آن را تایید و امضا کنند. تاکنون کشورهای افغانستان، ایران، پاکستان، تاجیکستان و ترکیه، این توافقنامه را به‌تصویب پارلمان‌های خود رسانده‌اند و با پایان مراحل تایید آن در این پنج کشور فعالیت‌ها برای اجرایی کردن اکوتا آغاز می‌شود. البته ایران به‌عنوان پیشنهاد دهنده و پاکستان به‌عنوان کشور هماهنگ‌کننده اکوتا، به‌دنبال تشویق و ترغیب دیگر اعضا برای پیوستن هر چه سریع‌تر به این توافقنامه هستند.

در دومین تحول سند «چشم‌انداز اکو 2015» که در پانزدهمین نشست شورای وزیران اکو در اول اکتبر سال 2005 در آستانه پایتخت جمهوری قزاقستان به تصویب رسید. سند چشم‌انداز اکو 2015، خط‌مشی‌های کلی یک دهه آینده اکو را در زمینه‌های مختلف تجارت، حمل‌ونقل، انرژی، بهداشت و محیط زیست تعیین نموده است. مهم‌ترین هدفی که در این سند پیش‌بینی شده است ایجاد منطقه آزاد تجاری تا سال 2015 میلادی است تا در پرتو آن اکو به‌عنوان یک بلوک مهم اقتصادی مطرح شود (Report of 15th Annex IX, 2005). این سند فرصت مناسبی را پیش‌روی اعضای اکو قرار می‌دهد تا با تلاش هماهنگ در جهت عملیاتی کردن اهداف این سند، بتوانند طی ده سال آینده این سازمان را به یک بلوک قدرتمند و تاثیرگذار تبدیل نمایند.

با توجه به موقعیت ممتاز اکو، هر یک از کشورهای عضو، پل‌های مهمی بین این منطقه و سایر مناطق جهان به‌شمار می‌آیند. حال باید ببینیم سازمان اکو توانسته است بین کشورهای عضو توسعه اقتصادی و همکاری به‌وجود بیاورد یا نه؟ این سوال نیاز به دلیل و گسترش همکاری بین اعضا بستگی دارد که در طی این مباحث بررسی می‌شود.

2- نگاهی کوتاه به تاریخچه سازمان همکاری اقتصادی اکو

اکو میراث‌دار سازمان همکاری عمران منطقه‌ای است، که در تیر ماه 1343 (ژوئن 1964) شکل گرفت. سه کشور بنیان‌گذار آن (ایران، ترکیه و پاکستان، از نظر توسعه اقتصادی-اجتماعی کم‌وبیش در سطح متوازن و هر سه کشور تحت نفوذ آمریکا بودند. سران سه کشور بر همکاری منطقه‌ای به‌عنوان عامل تسریع رشد و توسعه ملی و تامین صلح و آرامش و ثبات تاکید داشتند (صفی‌نیا، 1353: 6-53). پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به حیات سازمان همکاری برای عمران منطقه‌ای پایان بخشید. از سال 1364 (1985) مجدداً ایران، ترکیه و پاکستان تلاش‌های تازه‌ای را برای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای آغاز کردند. سازمان آر. سی. دی این بار با نام سازمان همکاری اقتصادی (اکو) دور جدیدی از فعالیت‌های خود را آغاز کرد. تا سال 1370 (1990) (سال گسترش اکو با پیوستن اعضای جدید) این سازمان از تحرک قابل ملاحظه‌ای برخوردار نبود. پس از فروپاشی اتحاد شوروی و بروز تحولات اساسی در آسیای مرکزی و قفقاز، جمهوری‌های آسیای مرکزی، قفقاز، آذربایجان و نیز افغانستان خواستار پیوستن به اکو شدند (Rashid, 1994: 73). پیوستن اعضا جدید به سازمان همکاری اقتصادی با توجه به فروپاشی اتحاد شوروی، نظام دو قطبی و کاهش قدرت منطقه‌ای روسیه اقدامی موثر برای تحرک جدید آن بود. اعضای اکو بر ضرورت تقویت ارتباط تجاری برای تحقق اهداف اکو تاکید کردند (Jonson, 1998: 14). افزایش امکانات برای همکاری ارتباطی از نظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد تاکید قرار گرفت. در سال‌های 1372-1371 (1992-1991) بیانیه کویته (طرح عمل اکو) و بیانیه استانبول (دورنمای بلندمدت اکو) مورد تصویب قرار گرفت. پروتکل تعرفه‌های ترجیحی، حمل‌ونقل ارتباطات، همکاری‌های انرژی، مسائل زیست‌محیطی و طرح جامعه منطقه‌ای برای کنترل مواد مخدر از موضوع‌های مورد توجه اعضای اکو بود. آن‌ها همانند دیگر کشورهای در حال توسعه با مجموعه وسیعی از مشکلات داخلی و خارجی برای تحقق اهداف توسعه روبرو هستند (Sloan, 1971: 141).

3- اهداف سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو

بر اساس سند پایه‌ی سازمان همکاری اقتصادی، سازمان در ابتدای امر اهدافی را برای خود تعیین کرد و با توجه به موضوع اصلی مقاله درخواست به آنها اشاره شود.

- ایجاد شرایط برای توسعه اقتصادی پایدار و ارتقا زندگی و افزایش رفاه در کشورهای عضو از طریق به‌کارگیری امکانات بالقوه اقتصادی و اجتماعی منطقه؛

- انجام اقداماتی برای حذف تدریجی موانع تجاری در منطقه اکو و گسترش تجارت درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با توجه به تجربه‌های دیگر مناطق و روندهای اقتصادی جهانی؛

- تشویق همکاری اقتصادی فزاینده در زمینه آرمان‌های بنیادین کشورهای عضو برای تامین نقش مهم‌تر و کمک منطقه اکو به رشد تجارت جهانی (Sloan, 1971: 142).

- از میان بردن سیاست‌های ناعادلانه تجاری که برای همه کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه کشورهای عضو اکو، شرایط تجاری نامساعد را ایجاد کرده است؛

- فراهم آوردن شرایط یکپارچه شدن تدریجی و آرام اقتصاد کشورهای عضو در اقتصاد جهانی، برای تامین مشارکت کامل‌تر آن‌ها در روند جهانی شدن اقتصاد؛

- ارتقای همکاری منطقه‌ای فعال و کمک متقابل در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی و علمی؛

- تسریع در گسترش زیربنای حمل‌ونقل و ارتباطات که کشورهای عضو را با یکدیگر و با جهان خارج پیوند می‌دهد؛

- تهیه برنامه‌های مشترک برای توسعه منابع انسانی در منطقه اکو؛

- تقویت بسیج منطقه‌ای برای بهره‌برداری از منابع طبیعی منطقه اکو به‌ویژه منابع انرژی (کولایی؛ مودب، 1388: 9).

بر اساس بررسی‌های کارشناسان آنکتاد که آر. سی. دی را مورد مطالعه قرار داده بودند، همکاری‌های منطقه‌ای در میان کشورهای در حال توسعه مستلزم پرهیز از نابودی در کسب منافع و امتیازات، توجه به اولویت‌ها و پرهیز از تبعیض در میان اعضا بوده است. در همان حال اعضای اصلی باید وظایف اضافی هم بپذیرند. اکو مانند دیگر سازمان‌های منطقه‌ای در جهان سوم برای رسیدن به اقتدار فراملی، راهی طولانی در پیش دارد (Wionczek, 1996: 13).

4- انسجام اقتصادی کشورهای عضو اکو

لازم است در ابتدای کار میزان انسجام اقتصادی در اکو را مورد بررسی قرار داد. این میزان را می‌توان بر اساس شاخص‌هایی چون مشابهت نظام اقتصادی، مکملیت اقتصادی و حجم تجارت درون منطقه‌ای مورد بررسی قرار داد:

الف) مشابهت نظام اقتصادی: نظام‌های اقتصادی در میان اعضای اکو تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد. ترکیه و پاکستان دارای اقتصاد آزاد، ایران دارای اقتصاد مخلط و بازار آزاد است. شش کشور بازمانده از اتحاد شوروی همگی دارای نظام سوسیالیستی و متمرکز بوده که پس از استقلال با دشواری‌هایی برای گذار از این سیستم به نظام بازار آزاد روبرو می‌باشند. با این وصف، فشارهای جهانی شدن چنان قوی است که همه کشورها از جمله اکو، به‌دنبال آزادسازی اقتصاد خود از انحصار دولتی هستند (Statistical Report of ECO, 2013: 8-14).

ب) مکمل نبودن اقتصاد کشورها: مکمل نبودن اقتصاد کشورهای اکو را می‌توان با دو شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سهم درون منطقه‌ای آن و الگوی تجارت خارجی کشورهای دو منطقه و سهم درون منطقه‌ای آن اندازه‌گیری کرد. صاحب‌نظران بر این باورند که غالب کشورهای اکو ستانده‌های اقتصادی تقریباً مشابه دارند. ایران، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان از صادرکنندگان نفت و گاز بوده و با یکدیگر رقابت دارند. این کشورها در زمینه اکتشاف، استخراج و توسعه منابع دریایی به تکنولوژی پیشرفته و سرمایه‌گذاری خارجی نیاز دارند. ترکیه، پاکستان و افغانستان از خریداران انرژی هستند. اما نیاز آن‌ها آنقدر نیست که بخش زیادی از صادرات نفت و گاز کشورهای تولید کننده اکو را جذب کنند؛ ولی در پاره‌ای زمینه‌ها به‌طور طبیعی جنبه‌های هم تکمیلی وجود دارد. تمامی اعضای اکو از کشورهای در حال توسعه‌اند و بیشتر آن‌ها صادرکنندگان مواد اولیه و تولیدات کشاورزی‌اند (عباسی اشلقی؛ دامن پاک جامی، 1392: 76).

ج) سهم اکو از تولید و تجارت جهانی و سرمایه گذاری خارجی بسیار پایین تر است. به طور مثال حجم تجارت خارجی کشورهای عضو اکو در سال 2007 به رغم افزایش شدید قیمت نفت حدود 512 میلیارد دلار بوده است که حدود دو درصد تجارت جهان را در بر می گیرد و سهم اکو از تولید ناخالص داخلی جهان نیز حدود دو درصد است. حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی در منطقه اکو در سال 2007 بالغ بر 40 میلیارد دلار و سهم جهانی آن در این زمینه حدود دو درصد است. هر چند این عدد نسبت به سال های 2000 تا 2005 رشد چشم گیر نشان می دهد، ولی نسبت به پتانسیل های اکو رقم پایینی است. مضافاً این که، اکو برای پیشبرد فرآیند همگرایی نیاز مفرط به سرمایه گذاری خارجی خصوصاً در بخش انرژی و حمل و نقل دارد. به رغم آن که مبادلات تجاری اعضای اکو با جهان طی سال های اخیر رشد نسبتاً خوبی داشته است، به طوری که از 171 میلیارد دلار در 2001 به 511 میلیارد دلار در سال 2007 افزایش یافته است؛ اما تنها حدود 30 میلیارد دلار آن بین کشورهای عضو صورت گرفته است.

این روند طی ماه های مارس و سپتامبر 2008 نیز ادامه داشته است، به طوری که تجارت درون منطقه ای کشورهای عضو اکو تنها کمتر از 6٪ تجارت خارجی آن ها در این 6 ماه برآورده گردید. صاحب نظران معتقدند که این روند طی 17 سال اخیر نیز کم و بیش بدین منوال بوده است. بنابراین سهم مبادلات و همکاری های درون منطقه ای این کشورها، از تجارت خارجی آنها بسیار پایین تر است (Shireen, 2010: 53).

5- اکو و فرصت های پیش رو

در زمینه فرصت های اکو مقالات متعددی نگاشته شده است. (Bhatty, 1992: 20) اما مهم ترین فرصت های اکو را می توان موارد زیر دانست:

1- بدون شک یکی از مهم ترین تحولات سال های اخیر جهانی شدن است؛ که در صورت برنامه ریزی و مدیریت مناسب، اکو می تواند فرصت های بی شماری را نصیب اعضای خود سازد «از این رو برای تبدیل سازمان همکاری اقتصادی به یک گروه بندی منطقه ای کامل نیاز به بهره گیری از شرایطی است که جهانی شدن به دست می دهد». (Mojtahed-Zadeh, 2005: 184) در واقع جهانی شدن گذار ملتها از دوران رقابت های ایدئولوژیک سده بیستم به دوران جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد است. به طور کلی مهم ترین و برجسته ترین فرصت هایی که پدیده جهانی شدن اقتصاد در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار می دهد را می توان تجارت آزاد، استفاده از سرمایه های سیال بین المللی، جذب فناوری و سیستم های کارآمد، ایجاد قانونمندی ها و مسئولیت های فراملی دانست؛ آنچه مسلم است ادغام کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای عضو اکو در جهانی شدن اقتصاد امری الزامی و محتوم است؛ اما نکته بااهمیت ادغام کارآمد و موثر است (سلطانی، 1382: 991-990).

سرعت بخشیدن به روند خصوصی سازی و خارج شدن از اقتصاد دولتی، آزادسازی و تنظیم بازار به ویژه خدمات، الزام شرکت های تجاری به افزایش کیفیت کالاها و خدمات، رفع محدودیت های ساختاری و گرایش به سمت سیاست های بازارمحور، تلاش در جهت جذب سرمایه های خارجی و کاهش تدریجی تعرفه ها در چارچوب اکوتا و تعهد کشورهای عضو به رفع موانع غیر تعرفه ای و شبه تعرفه ای می تواند زمینه ساز تحقق یکی از چالش برانگیزترین اهداف جهانی شدن اقتصاد یعنی کاهش تعرفه ها و آزادسازی تجارت باشد و شرایط را برای ادغام موثر و کارآمد کشورهای عضو اکو در فرآیند جهانی شدن اقتصاد به ویژه عضویت در سازمان تجارت جهانی به عنوان پارادایم حاکم بر اقتصاد بین الملل هموار نماید. با توجه به شرایط کنونی اقتصاد بین الملل پیوستن به این سازمان اجتناب ناپذیر است و اعضای اکو در هر دو سطح ملی و سازمانی باید بسترها و شرایط لازم را فراهم نمایند. بر اساس اطلاعات موجود در وب سایت رسمی سازمان تجارت

جهانی از میان ده کشور عضو اکو تاکنون کشورهای پاکستان (اول ژانویه 1995)، ترکیه (اول مارس 1995) و قرقیزستان (20 دسامبر 1998) به‌عنوان عضو اصلی به این سازمان ملحق شده‌اند و کشورهای آذربایجان، ایران، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان و افغانستان به‌عنوان عضو ناظر در انتظار الحاق کامل و رسمی به‌سر می‌برند (WTO.org).

2- یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه اثری و در عین حال یکی از مهم‌ترین فرصت‌های اکو بحث انتقال این ثروت عظیم به بازارهای مصرف است. در زمینه انتقال انرژی نیز نقش سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان بسیار حایز اهمیت است. در پرتو تحولات سیاسی و اقتصادی چند سال اخیر، یکی از فرصت‌های پیش‌روی اکو نیاز روز افزون اتحادیه اروپا به انرژی است. «طی سال‌های اخیر مصرف گاز طبیعی در اروپا با نرخ ثابت 5/2٪ در سال افزایش داشته است. قیمت‌های بالای نفت، سیاست‌های حفظ محیط زیست و توسعه نیروگاه‌های گازی علل اصلی افزایش تقاضای گاز در اروپا به‌حساب می‌آیند. علاوه بر این نیاز به تنوع‌بخشی در واردات انرژی به‌ویژه گاز به‌شدت در اروپا مورد توجه قرار گرفته است. زیرا که بخش عمده‌ای از گاز مصرفی اروپا از روسیه، نروژ و الجزایر تامین می‌شود. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که میزان وابستگی اروپا به گاز وارداتی تا سال 2030 به بیش از 75٪ افزایش خواهد یافت. این امر در کنار بروز برخی مشکلات سیاسی بین اروپا و روسیه به‌ویژه با وقفه‌ای که در زمستان سال 2005 و در اوج تقاضا در گاز دریافتی از روسیه به‌وجود آمد و مشکلات فراوانی را برای اروپایی‌ها در پی داشت؛ عزم اروپا برای متنوع‌سازی تقویت گردیده است» (حسن‌تاش، 1385: 206-211). از این‌رو، در صورت اتخاذ یک موضع هماهنگ در بخش انرژی، شرایط کنونی فرصت بزرگی را در اختیار اعضای اکو قرار می‌دهد که با برنامه‌ریزی مناسب می‌توان از آن به‌نفع کشورهای عضو بهره‌برداری نمود.

3- تهاجم نظامی آمریکا به افغانستان در سال 2001 که به‌دنبال حادثه تروریستی یازده سپتامبر صورت گرفت، در کنار پیامدهای منفی از جمله بروز مشکلات امنیتی، باعث حذف طالبان و روی کار آمدن یک دولت با مشروعیت بین‌المللی در این کشور گردید که این امر یک فرصت برای اعضای اکو در مسیر همگرایی و انسجام بیشتر به‌شمار می‌آید (شهبایی، 1381). بازسازی افغانستان موضوعی است که پس از پایان جنگ در کنفرانس‌های متعددی چون بن و توکیو مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. متأسفانه بنابر اعلام مقامات افغانی بسیاری از تصمیمات اجلاس‌های بن و توکیو صورت عملی به‌خود نگرفته است. روند تحولات افغانستان نشان می‌دهد که راه دستیابی به صلح، ثبات و امنیت در این کشور بازسازی عقب‌ماندگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشور است. در این راستا و نیز در پی ناکامی تلاش‌های بین‌المللی، سازوکارهای منطقه‌ای از جمله اکو می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. از این‌رو اکو می‌تواند ابتکار عمل در بازسازی افغانستان را برعهده گیرد. با توجه به قرابت جغرافیایی و فرهنگی و در پیش گرفتن الگوهای بومی اقتصادی، اعضای اکو می‌توانند در چارچوب صندوق ویژه افغانستان، با تعریف پروژه‌هایی زیربنایی، ضمن کمک به بازسازی این کشور باعث تحولی تازه در برنامه‌های این سازمان گردند (Marzooghi, 2003: 30).

4- حمله نظامی ایالات متحده به عراق که دومین جنگ را به منطقه تحمیل نمود؛ به‌مانند جنگ افغانستان در کنار پیامدهای منفی از جمله وقوع حملات تروریستی با حذف نظام دیکتاتوری صدام حسین و شکل‌گیری دولت و مجلس ملی و دموکراتیک نوید روزهای روشن‌تری را برای این کشور می‌دهد. هر چند ناآرامی‌ها و حوادث تلخ تروریستی در عراق شرایط سرمایه‌گذاری و مبادلات تجاری را دشوار ساخته است اما نیاز گسترده دولت و مردم این کشور به بازسازی اقتصادی می‌تواند فرصت بزرگی را برای اعضای اکو برای صدور کالا، خدمات، نیروی کار و دانش فنی به این کشور فراهم آورد. در این میان نقش دو کشور همسایه عراق و عضو اکو یعنی ایران و ترکیه حایز اهمیت است. به‌نظر می‌رسد با توجه به مشکلات سیاسی و امنیتی ترکیه در شمال عراق، ایران به‌دلیل داشتن مرزهای طولانی و امکانات ترانزیتی

مناسب و نیز پیوندهای گسترده مذهبی و قومی با مردم عراق می‌تواند نقش اصلی را در ترانزیت کالا و صدور خدمات و نیز فراهم ساختن زمینه سرمایه‌گذاری دیگر اعضای اکو در این کشور ایفا نماید (فرزانگان، 1382: 224).

6- همکاری‌های اقتصادی و تجاری

نظریه‌های سنتی تجارت بین‌الملل بر این اساس بود که تجارت می‌تواند برای همه کشورها در بردارنده «منافع» باشد. این در شرایطی است که در عالم واقع در صحنه تجارت بین‌الملل، همه کشورها در جریان آزاد مبادلات تجاری «محدودیت» ایجاد می‌کنند و به دلایل مختلف از سیاست‌های مداخله‌جویانه در عرصه تجارت بهره می‌جویند. از آنجا که محدودیت تجاری ایجاد شده در جریان آزاد مبادلات تجاری، اغلب روانی است از آن به‌عنوان «سیاست‌های بازرگانی» نیز نام برده می‌شود. سیاست‌های حمایتی تجارتی به دو گروه «محدودیت‌های تعرفه‌ای» و «محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای» تقسیم می‌شود. محدودیت‌های تعرفه‌ای شامل «مالیات بر واردات» و «مالیات بر صادرات» است. محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای نیز به دو گروه «محدودیت‌های سهمیه‌ای» و «محدودیت‌های ساختاری-سنتی» تقسیم می‌شود. تقسیم‌بندی مذکور در سازمان اکو به‌صورت زیر است:

6-1. ساختار تعرفه در اکو

- محدودیت‌های تعرفه‌ای

یکی از ابزارهای مهمی که به‌منظور گسترش مبادلات درون منطقه‌ای استفاده می‌شود، کاهش تعرفه‌های گمرکی و تخفیف تعرفه برای کالاهای وارد شده از سایر کشورهای عضو است. در این زمینه کشورهای عضو اکو با عقد موافقت‌نامه‌هایی برای کاهش تعرفه برخی از کالاهای وارداتی خود اقدام کرده‌اند. طبق ماده 2 عهدنامه «ازمیر» کشورهای عضو اکو متعهد شده‌اند با استفاده از تجارب سایر سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و در شرایط جهانی شدن اقتصاد، برای حذف سریع موانع تجاری در منطقه اکو و توسعه تجارت در این منطقه تلاش کنند. در راهبرد اکو گسترش تجارت در درون منطقه یکی از سه الویت اصلی فعالیت‌های آن معرفی شده است. در پیمان ازمیر نیز حذف موانع تجاری نیز از اهداف اصل این سازمان است که در همه‌ی بیانیه‌های اکو، آثاری از آن‌را می‌توان یافت. در سال 1997 گروه کارشناس عالی تشکیل شد؛ وظیفه این گروه تهیه سازوکار مناسب برای افزایش تجارت درون منطقه‌ای بود. سپس مقرر شد براساس بررسی‌های این گروه پیش‌نویس پیمان منطقه‌ای و حذف تدریجی موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای میان کشورهای عضو اکو تهیه شود. در مارس 2000 وزرای بازرگانی اکو موافقت‌نامه چارچوب همکاری‌های تجاری را تصویب کردند (حاجی یوسفی و دیگران، 1391: 50).

به این ترتیب توافقی بسیار مهم در این سازمان شکل گرفت که اجرای آن، برای همه کشورهای عضو دستاوردهای مهمی را به‌همراه خود داشت. نخستین موافقت‌نامه تجاری منطقه‌ای اکو «پروتکل ترتیبات تعرفه ترجیحی» در سال 1991 بود که ایران، پاکستان و ترکیه با هدف گسترش تجارت منطقه‌ای و به‌عنوان نخستین گام برای حذف موانع تجاری در منطقه آن‌را در 23 مه 1991 در تهران امضا کردند. این موافقت‌نامه از سال 1993 به اجرا در آمد. اجرای این پروتکل در عمل تحت تاثیر عوامل گوناگون متوقف شد. با در نظر گرفتن واقعیت‌های تشکیل سازمان تجارت جهانی و تاثیر اجرای موافقت‌نامه‌های آن سازمان برای اعضای اکو، شورای وزیران در سال 1997 ایجاد گروه مالی کارشناسان را تصویب کرد (ECO Bulletin, 1992: 2).

- محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای

انواع محدودیت‌های تجاری مقداری یا غیر قیمتی هستند، که از راه کاهش مقدار واردات اعمال می‌شوند. در این شیوه سیاست‌گذاری تجاری، دولت درآمد قابل توجهی کسب نمی‌کند. اگر عوارضی برای صدور مجوز واردات دریافت کند، این عوارض برای دولت درآمد ایجاد می‌کند. اما از این سیاست بیشتر حمایت از تولیدات داخلی و بهبود تراز پرداخت‌ها استفاده می‌شود. بیشتر اعضای اکو محدودیت‌های مقداری اعمال نمی‌کنند، اما ایران و ازبکستان محدودیت‌آمیزترین نظام‌های تجاری را از این نظر دارند که تا حدود زیادی به علت ملاحظات گذشته آن‌ها نسبت به صنایع داخلی، مشکلات مربوط به تراز پرداخت‌ها و بدهی‌های خارجی 5 تا 6 سال گذشته است (ECO Bulletin, 1992).

با رشد چشمگیر صادرات در سال 2002 کشورهای منطقه توانستند بازارهای خود را گسترش دهند. سود حاصل از صادرات ایران نسبت به سال‌های قبل از سال 2001 افزایش شانزده درصدی را نشان می‌دهد. قیت بالای نفت و تقویت صادرات غیر نفتی سبب شد این کشور به رشد چشمگیر (17/9٪) در سال 2000 رسید. واردات در این کشور از مرز 2/2٪ در سال 2001 به 31/1٪ در سال 2002 رسید. به همان نسبت صادرات در ترکیه به گونه‌ای محسوس بهبود یافت. درآمد صادراتی پاکستان از 7٪ در سال 2001 به 22/2٪ در سال 2002 رسید. پاکستان هزینه واردات را پایین نگه داشته است؛ آذربایجان در سال 2002 به میزان 502/1 میلیون دلار مازاد تجاری به دست آورد که بسیار کمتر از میزانی است که در سال 2001 به ثبت رسید، این مسئله تا حدودی به دلیل افزایش واردات (16/4٪) در سال 2002 و صرف مبلغ هنگفت بابت تجهیزات و ماشین‌آلات مورد نیاز در لوله نفت بود. با وجود کاهش قیمت نفت درآمد صادراتی قزاقستان از سال 8/63 میلیون دلار در 2001 به 9/67 میلیون دلار در سال 2002 رسید. کسری تجاری تاجیکستان از 30/9 میلیون دلار در سال 2001 به 23 میلیون دلار در سال 2002 کاهش یافت. در سال 2002 هزینه واردات به ازبکستان به دلیل افزایش واردات ماشین‌آلات و تجهیزات آن به میزان 1/2 درصد رشد کرد که 44٪ واردات این کشور را به خود اختصاص داد. همین روند در ترکمنستان یعنی جایگزینی سیاست صنعتی شدن، از طریق کاهش در واردات ماشین‌آلات و تجهیزات صورت گرفت. این کشور همچنین صنعت نساجی خود را به منظور افزایش مصرف داخلی و ارتقا ارزش ظرفیت تولید پنبه و فعالیت‌های تولیدی گسترش داد. به این ترتیب اکو هنوز نتوانسته است مشکل اصلی خود یعنی فقدان بازار مشترک را حل کند (Elhami, 2011: 45).

مطالعه رابطه اقتصادی اعضای اکو نشان می‌دهد که با توجه به نکات پیش گفته مجموع واردات بازرگانی آن‌ها در سال 2002 به 98/6 میلیون دلار رسید. صادرات درون منطقه‌ای در اکو حدود 5/3 درصد در سال 2000 برآورد شده است. به موجب اکوتا، کشورهای عضو موظف هستند در مدت 8 سال سقف تعرفه‌ها را در مورد کالاهای مشمول قرارداد که شامل 80 درصد کالاهای قابل معامله آن‌ها می‌شود به حداکثر 15 درصد برسانند و ظرف مدت دو سال تمامی موانع غیر تعرفه‌ای را حذف نمایند (سلیمان پور؛ دامن پاک جامی، 1388: 91).

6-2. مسائل تجاری منطقه

نبود دسترسی به اطلاعات تجاری یکی دیگر از مهم‌ترین مشکلات در توسعه تجاری درون منطقه‌ای است. در این زمینه سازمان اکو به منظور تسهیل انتشار اطلاعات تجاری و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، در حال ایجاد شبکه اطلاعات تجاری است. در این زمینه شبکه تجاری اکو با حمایت مالی برنامه عمران ملل متحد و در پایگاه‌های مجازی دبیرخانه اکو تاسیس شده است که فعالیت‌های خود را گسترش خواهد داد. به منظور افزایش تجارت درون منطقه‌ای و بین منطقه‌ای اقدام‌های زیر در حال انجام است:

-حذف تدریجی موانع تجاری در منطقه اکو

-تلاش مشترک برای دسترسی آزادتر بازارهای خارج از منطقه اکو به مواد خام و کالاهای تمام شده کشورهای عضو

-گسترش ترتیبات تعرفه‌ای ترجیحی موجود از نظر قابلیت اجرا و حدود آن

-آزادسازی تجارت درون منطقه‌ای از همه راه‌ها و ابزارهای ممکن مانند ساده‌سازی مقررات ملی در زمینه‌های گمرکی، تجارت کالا، جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، حل‌وفصل اختلافات تجاری با در نظر گرفتن تعهدهای بین‌المللی کشورهای عضو

-استاندارد تدریجی کالاها و محصولات منطقه

-همکاری میان بانک‌های کشورهای عضو و طرح‌های ضمانت اعتبارهای صادراتی (میرزایی، 1385: 34).

6-3. صنعت

اسناد بنیادین اکو همواره اهمیت بخش صنعت و نقش بخش خصوصی در توسعه آن را مورد توجه قرار داده است. در این زمینه دریافت فناوری‌های جدید، انتقال فناوری‌های موجود در منطقه و توسعه و افزایش مطالعات امکان‌سنجی در بخش‌های ویژه صنعتی به‌منظور پاسخ‌گویی به نیازهای منطقه از طریق اجرای طرح‌های صنعتی مورد تأکید سازمان است. در این راستا دبیرخانه اکو فعالیت‌های خود را بر بازنگری در سیاست‌های صنعتی به‌ویژه فعالیت در زمینه خصوصی‌سازی توسعه صنایع کوچک و متوسط و ظرفیت‌سازی در زمینه فناوری در کشورهای عضو متمرکز کرده است. طرح عمل اکو برای همکاری‌های صنعتی در نخستین اجلاس وزرای صنعت اکو در ژانویه 2004 در تهران به‌تصویب رسیده است.

برای کشورهای بنیانگذار این سازمان، توسعه صنعتی یکی از مهم‌ترین اهداف این کشورها بوده است، اعضای جدید هم در درون اتحاد شوری، گونه‌ای متفاوت از توسعه وابسته را تجربه کردند. برای همه اعضا به‌دست آوردن فناوری‌های جدید، انتقال فناوری‌های موجود در منطقه، توسعه و افزایش مطالعات امکان‌سنجی در بخش‌های ویژه صنعتی برای پاسخگویی به نیازهای منطقه از طریق اجرای طرح‌های صنعتی مورد تأکید قرار گرفته است (Omidi, 2006: 56).

دبیرخانه اکو نیز فعالیت‌های خود را بر بازنگری سیاست‌های صنعتی به‌ویژه اقدام در مورد برنامه‌های خصوصی‌سازی، توسعه صنایع کوچک و متوسط و ظرفیت‌سازی در زمینه فناوری در کشورهای عضو متمرکز کرده است. یکی از راه‌های دستیابی به فناوری‌های جدید برای کشورهای در حال توسعه، انتقال فناوری‌های نوین است. از جمله راه‌های دستیابی به این فناوری‌ها، برقراری روابط و همکاری‌های اقتصادی با کشورهای دیگر است. اکو فرصت‌های مناسبی را برای کشورهای عضو به‌وجود آورده است که در صورت برنامه‌ریزی مناسب می‌تواند از آن برای توسعه نظام تولید و به‌دست آوردن فناوری‌های جدید استفاده کنند (کولایی، 1379: 87).

6-4. موسسه‌های اقتصادی اکو

-اتاق بازرگانی و صنعت: اعضای اکو برای گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری منطقه‌ای و افزایش حضور بخش خصوصی در آوریل 1990 اتاق بازرگانی و صنعت اکو را تأسیس کردند، در این اتاق بخش خصوصی سازمان همکاری اقتصادی اکو محسوب می‌شود. تسهیل امور تجاری و بازرگانی در میان کشورهای عضو، گسترش همکاری بخش خصوصی اعضا، از اهداف تأسیس اتاق بازرگانی و صنایع اکو به‌شمار می‌رود. با توجه به اهمیت مبادله اطلاعات در میان اعضای اکو آن‌ها شبکه ارتباطی الکترونیکی ویژه خود را ایجاد کرده‌اند.

-بانک تجارت و توسعه اکو: در جریان سومین اجلاس سران اکو در 24 اسفند 1373 در اسلام آباد، موافقت‌نامه تاسیس بانک تجارت و توسعه اکو به تصویب شورای وزیران رسید. برای گسترش مبادلات منطقه‌ای در میان اعضا اجرای سیاست‌های مناسب ضرورتی جدی است. با توجه به محدودیت‌های مالی برخی از اعضا، بانک توسعه و تجارت اکو می‌تواند در این زمینه نقش مهمی ایفا کند، اما در سال‌های گذشته تنها در مورد برخی طرح‌های قابل اجرا بحث شده است. برای آغاز، پیشبرد و تامین اعتبار طرح‌های مشترک، تاسیس بانک تجارت و توسعه اکو با مشارکت بخش خصوصی مورد توجه قرار گرفت. اعضای اکو در مسیر توسعه تجارت منطقه‌ای مبارزه با قاچاق و تخلف‌های گمرکی را مورد توجه قرار داده‌اند (Marzoghi, 2003: 46).

-موسسه منطقه‌ای استانداردسازی اکو: این موسسه را شورای وزیران اکو در سال 2008 در هرات پایتخت افغانستان تاسیس کرد. اساسنامه این موسسه در نشست سران در مارس 2009 در تهران تصویب شد.

-شرکت بیمه اتکایی اکو: ضرورت حمایت از تجارت و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای و ایجاد ضمانت‌های لازم موجب شد تا سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان در سال 1975 این صندوق را تاسیس کنند.

-صندوق ویژه اکو برای بازسازی افغانستان: موضوع تاسیس صندوق ویژه اکو برای بازسازی افغانستان در جریان دوازدهمین نشست شورای وزیران خارجه کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (استانبول 2002) از سوی ایران مطرح شد و به تصویب رسید. در پی آن، سازمان همکاری اقتصادی دستورالعمل اجرایی صندوق را تدوین کرد و مشارکت مالی کشورهای عضو را به منظور تامین منابع لازم برای اجرای طرح‌های بازسازی در افغانستان خواستار شد. اقداماتی در این راستا انجام شد از جمله 1- طرح دهمزنگ، 2- بیمارستان فاریاب، 3- طرح‌های جدید (کولایی؛ مودب، 1388: 34).

5-6. موافقت‌نامه‌های اقتصادی

-موافقت‌نامه اکوتا: این موافقت‌نامه در جریان دومین نشست وزرای بازرگانی اکو در اسلام‌آباد به تصویب وزرای بازرگانی کشورهای عضو رسید. به موجب این موافقت‌نامه اکوتا، کشورهای عضو طی جدول زمانی هشت ساله و به صورت تدریجی، تعرفه‌های خود را تا هشتاد درصد از کالاهای قابل مبادله کاهش دهند و به سقف حداکثر 15٪ خواهند رساند. سپس کلیه موانع غیر تعرفه‌ای و شبه تعرفه‌ای را در مدت 2 سال از میان بر خواهند داشت. نکته قابل توجه ویژگی‌های اکوتا است.

- موافقت‌نامه تسهیل صدور روادید: تسهیل صدور روادید و ایجاد قوانین یکسان برای صدور روادید یکی از موضوع‌های مهم در هر سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی است. کشورهای عضو سازمان اکو نیز با توجه به اهمیت این موضوع در سال 1993 در نشست شورای وزیران در کویت، بر لزوم تسهیل صدور روادید برای بازرگانان کشورهای عضو تاکید کردند. موافقت‌نامه تسهیل صدور روادید اکو، ساده و برخوردار از مزایای بسیاری است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: یکسان‌سازی مقررات و تشریفات صدور روادید، شناسایی مشکلات و نارسایی‌های موجود، گسترش دامنه شمول موافقت‌نامه به سایر شهروندان، گسترش همکاری در همه زمینه‌های مناسب، افزایش تجارت درون منطقه‌ای، توزیع مناسب‌تر سرمایه‌ها، توسعه صنعت گردشگری و ایجاد تعادل بیشتر در درآمدها (کولایی؛ مودب، 1388: 109).

7- منافع اقتصادی همکاری‌های دو جانبه و چند جانبه

اگر چه در حال حاضر اقتصاد کشورهای عضو اکو عموماً توسعه نیافته، وابسته، تک محصولی، صادرکننده مواد خام و واردکننده کالاهای ساخته شده مصرفی می‌باشد و این ویژگی‌ها اقتصاد کشورهای عضو را بیشتر به اقتصادهای رقیب و نه مکمل تبدیل کرده است، اما اولاً این ساختارها در حال دگرگونی است و کشورهای عضو در جهت تنوع بخشیدن به

تولیدات و صنایع و خروج از اقتصاد تک‌محصولی تلاش می‌نمایند و ثابا می‌توان عامل موثری را نیز در زمینه‌های اقتصادی مشاهده کرد که در تقویت روند همکاری اقتصادی موثر می‌باشند.

در یک ساختار مشابه اگر برعکس ساختارهای اقتصاد مکمل، وابستگی متقابل کشورها به یکدیگر ضعیف است و نمی‌تواند پیوندهای محکمی را میان کشورها ایجاد کند، ولی مشکلات و موانع مشترکی که سر راه آن‌ها قرار دارد خود می‌تواند کشورها را به سوی همکاری با یکدیگر متمایل نماید. به‌رغم مشکلات موجود، کشورهای آسیای مرکزی دارای صنایع سنگین، راه‌آهن و نیروی الکتریسته پیشرفته هستند که صاحبان صنایع می‌توانند با برنامه‌ریزی‌های دقیق خلای ایجاد شده را به‌نفع خود پر کنند. در حال حاضر شرایط مساعدی برای همکاری‌هایی در زمینه تبادل کالاها و خدمات ماشین‌سازی، انرژی، حمل‌ونقل، ارتباطات، صنایع شیمیایی، معادن وجود دارد. اعضای اکو می‌توانند با تکیه بر آنها روابط دو جانبه و همکاری‌های چند جانبه را با یکدیگر افزایش دهند (کولایی؛ مودب، 1388: 87).

8- موانع همگرایی در اکو

در کنار همکاری‌های دو جانبه و چندجانبه منطقه‌ای بین کشورهای عضو که سبب بهبود توسعه اقتصادی کشورها می‌شود و آن‌ها را به‌سمت ترقی و پیشرفت می‌کشاند بایستی از موانعی که بر سر راه آن‌ها وجود دارد هم اطلاع داشته باشیم تا بتوانیم در جهت رفع آن‌ها گام برداریم؛ چون به‌دلیل وجود این موانع کشورها فرصت همکاری با یکدیگر را از دست می‌دهند و این همگرایی کارایی لازم و مطلوب را نمی‌تواند داشته باشد، که این موانع به‌شرح ذیل است:

الف) اقتصادی: توجه به ساختارهای اقتصادی برای بررسی امکان تحقق یک اتحادیه اقتصادی موفق بسیار مهم است. فقدان برابری و همسانی در واحدهای همگرا به‌نظر بسیاری از نظریه‌پردازان همگرایی سبب عدم توفیق این طرح‌ها می‌گردد. کشورهای عضو اکو در شرایطی هستند که همه کشورهای در حال توسعه کم‌وبیش از آن در رنج هستند. که شامل:

1) شبکه‌های ارتباطی ضعیف: به‌رغم توانایی‌ها و ظرفیت‌های موجود در بخش حمل‌ونقل جاده‌ای، با توجه به گستردگی راه‌های شوسه، کمبود راه‌های آسفالت به همراه کیفیت پایین و فقدان امکانات جانبی مناسب از مهم‌ترین چالش‌ها محسوب می‌شوند. در این زمینه اگرچه کوشش‌هایی از سوی اعضای اکو صورت گرفته است اما باید اذعان نمود که این تلاش‌ها با توجه به گستردگی جغرافیایی منطقه و حجم بسیار بالای ترانزیت کالا و مسافر، ناکافی است و اکو باید هر چه سریع‌تر پروژه‌های بزرگ‌تری را در دستور کار خود قرار دهد (Kasai, 2004: 224).

یکی از دلایل اهمیت و گسترش همکاری در زمینه حمل‌ونقل میان کشورهای عضو اکو که در سند اکوتا بر آن تاکید شده است، عدم دسترسی حدود هفت کشور عضو به دریای آزاد است. احداث خط راه‌آهن از ایران به ترکمنستان از طریق سرخس و در نتیجه اتصال خطوط راه‌آهن ایران و ترکیه به آسیای میانه و احداث خط‌آهن از آلمانی به تهران ناشی از همین فرآیند است. تصویب پروژه خط راه‌آهن غرب ایران به‌عنوان پروژه‌های منطقه‌ای بر اساس اهداف تعیین شده در سند «طرح عمل کوئته» با توجه به بازار مناسب و گسترده عراق، اتصال شبکه ریلی غرب ایران به کشورهای منطقه از طریق خطوط ریلی موجود می‌تواند نقش بارزی را در صادرات کشورهای عضو به عراق و افزایش تجارت فرامنطقه‌ای ایفا نماید و در کنار کریدور شمال - جنوب می‌تواند منجر به رونق کریدور شرق - غرب نیز شود. هم‌چنین احیای فعالیت کشتیرانی اکو و مشخص نشدن کامل وضعیت رژیم حقوقی دریای خزر که متأسفانه به‌دلیل برخی اختلاف‌نظرها متوقف گشته است می‌تواند زمینه بهره‌گیری بیشتر اعضای اکو از ظرفیت راه‌های دریایی را فراهم نماید (Gleason, 2003: 44-45).

2) حجم محدود تجارت منطقه: پایین بودن سطح تجارت درون منطقه‌ای هم‌چنان یکی از مهم‌ترین چالش‌های اکو محسوب می‌شود. به‌رغم ظرفیت‌های فراوان و برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، حجم تجارت درون منطقه‌ای اکو کمتر از میزان تجارت فرامنطقه‌ای اکو است. این امر یکی از مهم‌ترین اهداف عهدنامه از میر و نیز کارکرد اکو به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای اقتصادی را با چالشی جدی مواجه نموده است. «به‌عنوان مثال اگر میزان تجارت درون منطقه‌ای را شاخصی برای ارزیابی میزان توفیق اکو در سال‌های 2005-1996 میلادی در این مرحله بپذیریم از این شاخص به دو شیوه می‌توان استفاده کرد. نخست آن که سهم تجارت درون منطقه‌ای اکو در سال 1996 با سال 2005 مقایسه شود. این مقایسه متأسفانه کاملاً ناامید کننده است. زیرا نشان می‌دهد که میزان تجارت درون منطقه‌ای اکو در سال 1996 برابر با 8/5 میلیارد دلار بوده است در سال 2005 به رقم 16/7 میلیارد دلار رسیده است که رشدی معادل 300 درصد را نشان می‌دهد. اما اگر حجم تجارت درون منطقه‌ای اکو را در هر دو سال نسبت به حجم کل تجارت آن بسنجیم ملاحظه می‌کنیم در حالی که در سال 1996 نسبت حجم تجارت درون منطقه‌ای اکو به حجم کل تجارت آن 8/6 درصد بوده است؛ این نسبت در سال 2005 به حدود 5/6 درصد رسیده که کاهش 1/2 درصدی را نشان می‌دهد» (شهابی، شیخ الاسلامی، 1386: 146)

3) جنبه‌های محدود هم‌تکمیلی اقتصادی: مکمل نبودن اقتصادهای اعضا و تشابه کارکردی از دیگر موانع بر سر راه تحقق اهداف اکو به‌حساب می‌آید. نمود این مسئله نیز در حجم تجارت درون منطقه‌ای اعضای اکو نسبت به کل تجارت خارجی کشورهای عضو قابل دیدن است. اکنون حجم تجارت درون سازمانی اکو نزدیک به 7 درصد کل تجارت اعضا است این در حالی است که این آمار در مورد اتحادیه‌ی اروپا بیشتر از 60 درصد، آسه.آن نزدیک به 40 درصد و حتی برای اتحادیه‌ی آفریقا 9 درصد است.

4) دیدگاه متضاد اعضا: هر یک از اعضای اکو در برابر طرح‌های اقتصادی که پیشنهاد می‌شود دیدگاه‌های گوناگون و گاهی متضاد را مطرح می‌کنند. به‌عبارت دیگر بیشتر کشورها سعی دارند ساز خود را زده یا حرف و خواسته‌ی خود را به کرسی بنشانند. در این زمینه نگاه ساختاری و کلان وجود ندارد. ممکن است طرحی که برای کشوری دارای اهمیت زیادی است، برای کشوری دیگر کم اهمیت بوده و یا در اولویت نباشد. به‌عنوان نمونه ترکیه از یک‌سو به‌دنبال استفاده از ظرفیت‌های این کشورها از جمله بازارهای مصرف و توان تولید گاز اعضای اکو است تا هم صادرات خود را روانه‌ی این بازارها سازد و هم از سود ترانزیت انرژی به اروپا بهره‌مند شود. این در حالی است که ترکیه به طرح‌های سرمایه‌بر و زیرساختی در کشورهای عضو چندان رغبتی نشان نمی‌دهد (شهابی، 1381: 26).

یکی دیگر از طرح‌های مهم در حوزه ارتباطات، ساخت و پرتاب ماهواره‌ی مخابراتی اکو بود که این طرح را جمهوری اسلامی ایران ارایه کرد. ترکیه نخست از این طرح استقبال کرد ولی اکنون سیاست صبر و انتظار را دنبال می‌کند. اهمیت این موضوع سبب شد تا در دستورکار نشست شورای برنامه‌ریزی منطقه‌ای اکو در تهران قرار گیرد (Haghighi, 1995: 1025).

ب) سیاسی: علاوه بر موانع اقتصادی، کشورهای عضو اکو با دشواری‌های سیاسی نیز در مسیر تحقق همکاری‌های منطقه‌ای مواجه می‌باشند، که در تجارب گوناگون همگرایی منطقه‌ای در میان کشورهای در حال توسعه موانع سیاسی نقش عمده‌ای ایفا کرده‌اند.

1) فقدان انسجام ملی: یکی از نقاط ضعف قابل توجه در روند همگرایی منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه به‌ویژه در میان کشورهای عضو اکو عدم توجه به اهمیت «قدرت نرم» در تقویت و گسترش روحیه همکاری و مشارکت موثر

شهروندان یک سازمان منطقه‌ای در برنامه‌ها و سیاست‌های آن است. از این رو شاهد هستیم آن گونه که شهروندان اروپایی و یا آسیای شرقی خود را شهروند اتحادیه اروپا و آ.سه.آن می‌دانند، ملت‌های عضو آکو به‌رغم دو دهه فعالیت این سازمان، هنوز هیچ تلقی و احساسی از عضویت در آکو ندارند. به‌نظر جورج لیسکا یکی از پیش شرط‌های اساسی توسعه همکاری و انسجام اتحادها، ایجاد نوعی «ایدئولوژی اتحاد» است (دوئرتی؛ فالترگراف، 1372: 691). پر واضح است این ایدئولوژی زمانی شکل پایدار به‌خود می‌گیرد که از سطح رهبران و نخبگان فراتر رود و به عمق جامعه کشیده شود. در این راستا شهروندان آکو به‌عنوان مخاطبان اصلی باید در چارچوب این سازمان احساس هویت کنند. از این رو است که جوزف نای معتقد است که «ایجاد نوعی احساس هویت باعث حمایت شدید از همگرایی منطقه‌ای می‌شود. به‌نظر او هر چه جاذبه هویت‌بخش شدیدتر باشد به‌همان نسبت امکان و سرعت همکاری و همگرایی افزایش می‌یابد» (دویچ؛ نای، 1375: 681-685).

بر این اساس فعالیت‌های موسسه فرهنگی آکو در زمینه آگاهی‌بخشی به ملت‌های عضو آکو، اطلاع‌رسانی به بخش‌های خصوصی به‌ویژه از طریق مجلاتی چون اکوتایمز و همکاری بین حوزه‌های اطلاع‌رسانی در راستای «اکوشناسی» و نیز اقداماتی نظیر تشکیل اتحادیه کتابخانه‌های ملی آکو، بانک اطلاعات ظرفیت‌های اکوتوریسمی، تشکیل اتحادیه رادیو و تلویزیون آکو، تاسیس پردیس (پارک) آکو در پایتخت کشور عضو آکو، برگزاری المپیک ورزشی آکو، ایجاد اتحادیه روسای موسسه گردشگری و برگزاری تور و نیز برگزاری فستیوال نوروز، تشکیل ارکستر مشترک و توسعه همکاری‌های سینمایی و هنری (که از مصادیق بارز قدرت نرم می‌باشد)، باعث شناخت هر چه بیشتر مردم ده کشور عضو از سازمان آکو خواهد شد و در صورت بسترسازی مناسب به‌ویژه با آزادسازی اقتصادی و بهادادن به بخش‌های خصوصی به‌خصوص بنگاه‌های کوچک می‌تواند باعث به‌تحرك واداشتن تمامی ساختارها و ظرفیت‌های موجود در آکو شود و یکی از مهم‌ترین اهداف معاهده از میر یعنی ارتقا و بهبود سطح زندگی ملت‌های عضو را تحقق بخشد. بنابراین بر خلاف دیدگاه صاحب‌نظرانی که معتقدند موارد یاد شده موجب دور شدن آکو از اهداف اصلی‌اش خواهد شد (Hassan Yari, 1997).

2) فقدان کثرت‌گرایی: توسعه «کثرت‌گرایی سیاسی» در جوامع کشورهای عضو دارای محدودیت‌های جدی است. مطمئناً صاحب‌نظرانی که حتی از منظر کارکردگرایی به تحولات آکو می‌نگرند نیز بر این باورند که همگرایی در مفهوم نوین اساساً بر پایه کثرت‌گرایی قرار گرفته و تشکیل یک جامعه سیاسی بزرگ‌تر در آن مورد توجه قرار می‌گیرد. اما روند بسیار کند دموکراتیزه شدن فضای سیاسی کشورهای آسیای مرکزی، شرایط نامناسب سیاسی افغانستان و نیز شرایط پیچیده و خشونت‌های سیاسی در پاکستان روند نامید کننده‌ای از گسترش پلورالیسم سیاسی از سطح ملی به سطح منطقه‌ای را ترسیم می‌کند. از این رو رهبران و نیز جریان‌های مختلف سیاسی در کشورهای عضو آکو باید این حقیقت را درک کنند که در شرایط کنونی پلورالیسم سیاسی از سطح ملی فراتر رفته و ابعاد منطقه‌ای و جهانی پیدا کرده است و در صورت هرگونه تاخیر، بازنده نهایی فقط ملت‌های عضو آکو خواهند بود.

هم‌چنین اگر چه فرهنگ غالب کشورهای عضو آکو شکل متصلب و اقتدارگرا دارد اما می‌توان در یک پروسه درازمدت با ایجاد تحولاتی در نظام‌های آموزشی به هدایت افکار، باورها و ایستارها در جهت تعامل و همگرایی پرداخت. به موازات این تحولات باید یک سلسله نهادسازی صورت گیرد؛ شکل‌گیری مجالس (پارلمان) دوستی کشورهای عضو آکو و کارگروه‌های مشترک در حوزه‌های مختلف آموزشی، فنی و دانشگاهی می‌تواند این روند را تسهیل نماید. هم‌چنین بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و جهت‌گیری به‌سمت شکل‌گیری سازمان‌های غیر دولتی و تعامل متقابل بین آن‌ها می‌تواند به کاهش سوءتفاهمات، رفع برخی پیش‌فرض‌ها و پیشداوری‌های سیاسی و فرهنگی به‌ویژه پیشداوری‌های

قوم‌مدارانه فرهنگی، اخذ تصمیمات صحیح و اتخاذ سیاست‌های واقع‌بینانه کمک شایانی نماید. در این صورت می‌توان امیدوار بود که فرهنگ سیاسی متصلب و انعطاف‌ناپذیر کنونی به‌تدریج در پروسه کثرت‌گرایی و پذیرش تعامل با فرهنگ‌های دیگر گام بردارد. کثرت‌گرایی و همگرایی همانند هر پدیده دیگر در ابتدا امری ذهنی و انتزاعی است و تا زمانی که هنجارها، باورها و ایستارها پیرامون آن در ذهن‌ها شکل نگیرد، نمی‌توان به تبلور و شکوفایی آن در محیط بیرونی امید داشت. از این‌رو تحقق اهداف چشم‌انداز اکو 2015 در تبدیل اکو به یک بلوک مهم اقتصادی در گرو برنامه‌ریزی مناسب در این زمینه خواهد بود (کوزه‌گر کالجی، 1387: 116).

3) وابستگی سیاسی: بدون تردید مهم‌ترین مورد در بخش چالش‌های سیاسی اکو، نقش قدرت‌های خارجی در روند واگرایی، تضعیف و جایگزینی رقابت و ستیزه‌جویی به‌جای همکاری و تعامل در منطقه اکو است (رسولی، 1386: 169) همان‌گونه که در بخش دیدگاه تئوریک اشاره گردید بر مبنای دیدگاه کانتوری و اشیپگل قدرت‌های خارجی به‌عنوان بخش مداخله‌گر در طی سال‌های اخیر تأثیرات فراوانی را بر اعضای اکو داشته‌اند. کشورهای روسیه، چین، هند، ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و نیز اتحادیه اروپا را باید مهم‌ترین قدرت‌های خارجی دانست که در طول حیات اکو نقش بسیار بارزی را بر تخریب و تضعیف روند همگرایی و نیز تقویت همگرایی در این سازمان منطقه‌ای داشته‌اند. پرداختن به دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مجال دیگری را می‌طلبد. در این زمینه باید از کلی‌نگری پرهیز نمود. به‌عنوان مثال باید بین نقش مثبتی که اتحادیه اروپا با دیدگاهی نسبتاً اقتصادی در منطقه اکو ایفا می‌کند با نقش منفی که ایالات متحده با دیدگاهی سیاسی و استراتژیکی در کنار نگاه اقتصادی ایفا می‌کند، تفاوت قائل شد و تأثیر هر بازیگر را به‌صورت جداگانه مورد مطالعه قرار داد (عرفانی، 1373: 34).

در این میان ایالات متحده که به‌عنوان بخش مداخله‌گر نقش بسیار مثبتی در انسجام سازمان عمران منطقه ای داشت؛ اکنون در اکو به مهم‌ترین بازیگر خارجی با نقش منفی و تضعیف‌کننده تبدیل شده است. آمریکا در سال 1998/1377 در «راهبرد نوین آسیای مرکزی»، حمایت کامل از کشورهای منطقه برای کسب استقلال واقعی از روسیه، استفاده از منابع نفت و گاز و قرار دادن منطقه در حوزه «منافع راهبردی» آن اعلام کرد (امیدوارنیا، 1388: 88). هدف اصلی آمریکا از تضعیف اکو، مهار و تضعیف ایران است که این امر به نوع خود انسجام درونی اکو را تحت تأثیر قرار داده است. کنار گذاردن ایران از کنسرسیوم نفتی آذربایجان، خط لوله پیشنهادی گاز ترکمنستان از مسیر افغانستان و پاکستان، خط لوله باکو - تفلیس - جیحان (به‌عنوان سیاسی‌ترین خط لوله نفت جهان و نماد حاکمیت سیاست بر اقتصاد) در کنار نارضایتی شدید آمریکا با برنامه‌هایی چون موافقت‌نامه گاز ایران و ترکیه، انتقال گاز ایران به شبه قاره هند از طریق خط لوله صلح و نیز مخالفت با پیشنهاد تشکیل اوپک گازی از سوی ایران را می‌توان از جمله تلاش‌های واشنگتن برای تضعیف ایران بر شمرد که به‌صورت خودکار موجب تضعیف جایگاه اکو نیز گردیده است. از این‌رو اتخاذ رویکردی مشترک، یکپارچه و الزام‌آور در پرتو مکانیزم بازدارندگی برای مقابله با نفوذ قدرت‌های خارجی امری حیاتی برای اکو محسوب می‌شود (کوزه‌گر کالجی، 1387: 117).

ایالات متحده اجرای استراتژی انزوای ایران را در حوزه طبیعی‌اش دنبال می‌کند، که بخشی از آن استراتژی جلوگیری از عبور لوله‌های انتقال نفت و گاز منطقه خزر (آسیای مرکزی و قفقاز) از خاک ایران است که کوتاه‌ترین، ارزان‌ترین و امن‌ترین راه است. ایران در ژرفای ژئوپلیتیک شمالی‌اش باید شرایطی فراهم آورد که لوله‌های نفت و گاز منطقه از مسیر طبیعی‌اش (ایران) عبور کند. در غیر این‌صورت منافع آن، زبان فراوانی خواهد دید (مجتهدزاده، 1381: 387).

آمریکا به دنبال جلوگیری از ساخت خط لوله انتقال منابع انرژی دریای خزر که خشکی آن را احاطه کرده، به بازارهای بین‌المللی از طریق ایران بوده است (Wolfe & Adam: 2005). ابزاری که آمریکا برای این کار یافت، تصویب قانون تحریم علیه ایران و لیبی در سال 1996/1375 بود (Alikhani, 2000: 309-325). استیون مان از اعضای دفتر امور اروپا و آسیای وزارت امور خارجه آمریکا و نماینده آن در مسائل دریای خزر در این مورد گفت: «دولت آمریکا از احداث پروژه‌های برای انتقال گاز دریای خزر به هند و پاکستان حمایت می‌کند، اما با هر خط لوله‌ای که ایران در آن مشارکت داشته باشد مخالف است». او انتقال گاز ترکمنستان را یکی از گزینه‌های مطلوب مورد نظر آمریکا معرفی کرد (Fainancial Express, 6 January 2006). روسیه هم‌چنان بیشترین نفوذ را در منطقه اکو دارد و هم‌چنان بزرگ‌ترین شریک تجاری این جمهوری‌ها باقی مانده است. از نظر نظامی-امنیتی نیز روسیه هم‌چنان حضور نظامی خود را در منطقه حفظ خواهد کرد. روند ارتقای مأموریت و کارکردهای سازمان شانگهای موید این مسئله است (Jonson, 1998: 32-37).

نتیجه‌گیری

ضرورت ایجاد سازمان «همکاری برای عمران منطقه‌ای» را باید در شرایط سیاسی و اقتصادی ایران، پاکستان و ترکیه در دهه 1960 جستجو کرد. از نظر شرایط اقتصادی سه کشور بنیانگذار، در پی اجرای طرح‌های صنعتی کردن خود به شیوه غربی بودند. محدودیت ذخایر معدنی نیاز به اجرای طرح‌های صنعتی، دریافت فناوری و استفاده از امکانات رفاهی منطقه‌ای از جمله دلایل شکل‌گیری سازمان عمران منطقه‌ای بود. در سال 1985 سازمان همکاری اقتصادی (اکو) جایگزین سازمان عمران منطقه‌ای شد. از هنگام تشکیل سازمان همکاری اقتصادی تا تصویب پروتکل اصلاحی پیمان زمبر (1990) این سازمان فعالیت چشمگیری نداشت. پس از آن نیز تا پیوستن کشورهای آسیای مرکزی، آذربایجان و افغانستان، نشست‌های رهبران و مسئولان کشورهای عضو تنها بیانگر ادامه فعالیت این سازمان بود.

بر پایه آمارهای سال 2009 تجارت در درون منطقه حدود شش درصد از مجموع دادوستد کشورهای عضو را تشکیل می‌دهد که بسیار پایین‌تر از ظرفیت واقع اعضا است. بر اساس سند چشم‌انداز ده ساله اکو، کشورهای عضو می‌کوشند با کاهش موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای تا سال 2015 حجم تجارت میان اعضا را از شش درصد به بیست درصد افزایش دهند. یک منطقه آزاد تجاری تاسیس کنند. تولید ناخالص داخلی منطقه اکو در سال 2006 با متوسط رشد 6/9 درصد بالغ بر 891 میلیارد دلار که معادل 1/8 درصد تولید ناخالص ملی جهان بوده است. حجم مبادلات تجاری اعضای اکو در سال‌های اخیر نشان می‌دهد تجارت درون منطقه‌ای از رشد نسبی خوبی برخوردار بوده است. با بررسی رشد حجم مبادلات تجاری این کشورها با دیگر کشورهای جهان نتیجه می‌گیریم که اگر برنامه‌ریزی مناسب صورت گیرد می‌توان از ظرفیت‌های موجود در آن کشورها برای افزایش بیشتر تجارت درون منطقه و تامین سود بیشتر برای همه اعضای اکو بیشتر بهره‌برداری کرد. در آستانه قرن 21 که اقتصاد جهانی دچار مشکلات گوناگون شده است، افزایش همکاری‌های منطقه‌ای به‌ویژه در میان کشورهای در حال توسعه به یک ضرورت جدی تبدیل شده است. کشورهای در حال توسعه و نیز اعضای اکو به مزایای این همکاری مانند گسترش بازارها، افزایش توان اقتصادی، ایجاد رقابت‌های قدرتمندانه با افزایش کارایی منطقه‌ای، کاهش آسیب‌پذیری نسبت به خارج و کشورهای پیشرفته، بهبود قدرت چانه‌زنی در تجارت بین‌المللی توجه کرده‌اند.

در پایان می‌توان گفت اعضای اکو در مسیر تحقق یک طرح همکاری منطقه‌ای موفق با دشواری‌های جدی مواجه هستند. تلاش‌هایی که آغاز شده برای به ثمر نشستن نیازمند مداومت و پایداری اعضا است. اکو می‌تواند در چارچوب یک

سازماندهی منسجم و هماهنگ توسعه اقتصادی را افزایش دهد و باعث شود کشورها از وابستگی اقتصادی به کشورهای بزرگ دست بکشند و نیازهای داخلی خود را توسط کشورهای عضو اکو حل کنند. چون گسترش تجارت و همکاری منطقه‌ای برای این کشورها، ابزاری برای رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی به‌شمار می‌رود که این امر با همکاری بین کشورهای ایران، پاکستان، ترکیه با کشورهای عضو صورت می‌گیرد که راه را برای دسترسی به بازارهای جهانی هموار می‌کند.



1. امیدوارنیا، محمدجواد (1383)، تاثیر عوامل غیر سنتی بر امنیت در آسیای مرکزی: دیدگاه چین، **مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز**، تهران: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.
2. حاجی یوسفی، امیرمحمد و دیگران (1391)، نخبگان و همگرایی منطقه‌ای در سازمان همکاری اقتصادی (اگو)، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال پنجم، شماره 10، بهار و تابستان.
3. حسنتاش، سید غلامحسین (1385)، تقاضای گاز اروپا، نقش ترکیه و فرصت‌های ایران، **فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، سال بیستم، شماره هفتم و هشتم، فروردین و اردیبهشت، 206-220.
4. دوپچ، کارل؛ نای، جوزف (1375)، **نظریه‌های روابط بین‌الملل**، ترجمه و تدوین وحید بزرگی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد).
5. دوئرتی، جیمز؛ فالترگراف، رابرت (1384)، **نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل**، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
6. رسولی، الهام (1386)، نقش و تاثیر قدرت‌های خارجی در عدم همگرایی در میان اعضای اگو، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره 60.
7. سلطانی، علیرضا (1382)، ادغام کشورهای در حال توسعه در فرآیند جهانی شدن اقتصاد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال هفدهم.
8. سلیمان‌پور، هادی؛ دامن‌پاک جامی، مرتضی (1388)، نقش چندجانبه‌گرایی و ترتیبات تجاری منطقه‌ای در پیشبرد دیپلماسی اقتصادی ایران، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، سال دوم، شماره 3.
9. شهابی، سهراب؛ شیخ الاسلامی، محمدحسن (1386)، آیا می‌توان در انتظار موفقیت اگو ماند؟، **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشکده تهران، دوره 37، شماره 3.
10. شهابی، سهراب (1381)، موقعیت اگو بعد از تحولات 11 سپتامبر، **بولتن مرکز مطالعات عالی بین‌المللی**، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شهریور.
11. صفی‌نیا، پرویز (1383)، **همکاری برای عمران منطقه‌ای**، تهران: دبیرخانه همکاری عمران منطقه‌ای.
12. عرفانی، سروش (1373)، ایران، اگو، آسیای مرکزی به‌سوی بازیابی و نوگرایی فرهنگی، ترجمه قاسم ملکی، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، سال دوم، شماره 4، بهار.
13. عباسی اشلقی، مجید؛ دامن‌پاک جامی، مرتضی (1392)، جمهوری اسلامی ایران و سازمان همکاری‌های اقتصادی اگو، بیست سال پس از گسترش این سازمان، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره 84، زمستان.
14. فرزندگان، محمدرضا (1382)، فرصت‌های تازه فراروی ایران در زمینه بازرگانی و ترانزیت کالا پس از تغییر حکومت عراق، **فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، سال هفدهم، خرداد و تیر.
15. کوزه‌گر کالجی، ولی (1387)، تحقق اکوتا و چشم‌انداز اگو 2015: فرصت‌ها و چالش‌های اگو، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره 62، تابستان.

16. کولایی، الهه؛ مودب، محمد (1388)، **سازمان همکاری اقتصادی اکو دستاورد و چشم‌اندازها**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
17. کولایی، الهه (1375)، موانع همکاری در اکو، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، سال پنجم، دوره دوم، شماره 16، زمستان.
18. کولایی، الهه (1379)، **اکو و همگرایی منطقه‌ای**، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
19. میرزایی، محمد (1385)، سازمان همکاری اقتصادی (اکو) در حال تحول و توسعه، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، دفتر سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه، شماره 53.
20. مجتهدزاده، پیروز (1381)، **جغرافیای سیاسی، سیاست جغرافیایی**، تهران: سمت.

(ب) لاتین

1. Alikhani, Hossein (2000), **Sanctioning Iran**, London, I. B. Tauris.
2. Bhatti, A Maqbool (1992), "ECO: Challenges and Opportunities in the 1990s", The Institute of Strategic Studies Islamabad, **Strategic Studies** (special issue: ECO looking to the Future), Volume XV, winter, Number. 2. 16-29.
3. Elhami, Amir. h. (2011), "Formation and Evolution of Regional Organizations: The Case Study of Economic Cooperation Organization (ECO)". M. A diss. Allame Tabatabaai University-ECO College of Insurance.
4. **ECO Bulletin** (1992), Vol. 2, No. 1.
5. **ECO Bulletin** (1992), Vol. 2, No. 11.
6. Gleason, Georgy (2003), **Markets and Politics in Central Asia**, London: Routledge,
7. Houchang, Hassan Yari (1997), "Organisation de la cooperation économique Un pont stratégique entre le Moyen-Orient et l'Asie centrale", **Études internationales**, vol. XXVIII, No 1, mars
8. Haghghi, Massod (1995), "Barriers to convergence in Economic Cooperation Organization (ECO)", **Middle East Quarterly**, No. 7, Tehan.
9. Hunter, Shireen T (2010), "Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era: Resisting the New International Orde".
10. Jonso, Lena (1998), **Russia and Central Asia, a New Web of Relations**, London: The Royal Institute of Interntional Affairs.
11. Kasai, Alireza (2004), "Water Crisis in Central Asia and turns in foreign policy", **Central Asia and Caucasus Studies Quarterly**, vol. 13, period 4, No 48, Tehran.
12. Marzooghi, Hassan (2003), **Expansion of trade in ECO by reducing tariffs**, of Commercial Studies Publications, Tehran.

13. Mojtahed-Zadeh, Pirouz (2005), "The Caspian between Conflict and Cooperation, Eurasia: A New Peace Agenda", **Elsevier Publication**, Volume 1, summer, USA, Chapter 17.
14. Omidi, Ali (2006), "Comparison of Convergence in ECO and ASEAN", **Economic-political information Monthly Maganiz**, vol. 19 No. 7 & 8, serial No. 247, Tehran.
15. Pakdaman, Reza (1996), **Economic Cooperation Organization (ECO)**, Institute of Commercial Studies Publications, Tehran.
16. Rashid, Ahmed (1994), **the Resurgence of Central Asia, Islam or Nationalism?**, London: Zed Books.
17. Sloan, John W. (1971), the Strategy of Developmental Regionalism: Benefits, Distribution, Obstacles, and Capabilities; **Journal of Common Market Studies**, Vol. X, No, 2, Dec.
18. Tluee, Mahmood (2006), **Comprehensive Political Dictionary**, Third Edition, Nashre Elm, Tehran.
19. Wolfe, Adam (2005), the 'Great Game' Heats Up in Central Asia; **Power and Interest News Report**, 03 august.
20. Wionczek, M. S. (1996), Introduction: Requisites for Viable Integration; **Latin America Economic Integration**, N. Y: Pager.





پروفیسر شہناز گل خان
پروفیسر شہناز گل خان
پروفیسر شہناز گل خان

پروفیسر شہناز گل خان
پروفیسر شہناز گل خان
پروفیسر شہناز گل خان